

بررسی مناسبات دو گروه مذهبی اسلامگرا در قبل از انقلاب اسلامی

روح‌الله مهدی‌زاده^۱

ابراهیم سیفی^۲

چکیده

مناسبات مؤتلفه اسلامی با سازمان مجاهدین خلق در قبل از وقوع انقلاب اسلامی نمایانگر فراز و فرودهای فراوان احزاب و جامعه در این دوران است و اهمیت زیادی دارد. در این مقاله نویسندگان در تلاشند تا علل نزدیکی مؤتلفه به سازمان مجاهدین، نحوه همکاری مؤتلفه با این سازمان چریکی و چگونگی تبدیل این مناسبات دوستانه به دشمنی خطرناک، و در نهایت هم تاثیر مناسبات دو طرف بر وقوع انقلاب و البته وجه تشابه و تفاوتشان را مورد بررسی قرار دهند.

واژگان کلیدی: مؤتلفه، مجاهدین خلق، انقلاب اسلامی، حکومت پهلوی.

A Researching on the Relations of Two Islamist Party Before the Islamic Revolution

Rohollah Mehdi zadeh³

EbrahimSeifi⁴

Abstract

The relations between the "Mo,talef-e Islami" party and the "mojahedin-e khalq" can show us the controversial developments of the parties and the whole of Iranian society before the Islamic revolution. So the study can be very important. In this paper, the writers deal with some controversial problems such as: he causes of uniting of these two parties, the mode of cooperation between the "Mo,talef-e" and the militant party of the "Mojahedin", the causes of changing these friendly relations to a bitter hostility and atlas their similarities and differences and the influence of these two parties on the Islamic revolution.

Keywords: Islamic revolution, the Pahlavi dynasty, the "Mo,talef-e", the "Mojahedin-e khalq".

1. کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی از پژوهشکده انقلاب اسلامی و امام خمینی

2. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه پیام نور تهران

3. MA in History from the Institute of Islamic Revolution: rohollafomesh@gmail.com

4. MA Student of the History of Islamic Iran, Payamnoor University of Tehran: seifi.ibrahim@yahoo.com

مقدمه

گروه‌های متعددی از طیف‌های سیاسی و عقیدتی گوناگون، در مبارزه علیه حکومت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی، تاثیرگذار بودند. هم‌چون حزب توده، چریک‌های فداییان خلق، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمان توفان در جناح مخالفان کمونیست رژیم پهلوی، همچنین گروه‌های ملی‌گرای تشکیل دهنده جبهه ملی، و در نهایت، گروه‌های اسلامگرا اعم از روحانیون انقلابی و حامیان‌شان در جناح اسلامگرایان سنتی، اسلامگرایان متمایل به لیبرالیسم یعنی نهضت آزادی ایران، و سرانجام هم، چریک‌های اسلامگرای دارای گرایش مارکسیستی یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران، همگی از مخالفان رژیم وقت ایران بودند. اگرچه تقریباً بیشتر این‌ها، به‌خاطر رویکرد فکری و اعتقادی و همچنین تا حدودی مشی مبارزاتی خود، نتوانستند با یکدیگر در جبهه مبارزه علیه حکومت سلطنتی پهلوی، همکاری مداوم و ثمربخشی داشته باشند. با اینحال، در میان برخی از گروه‌ها، به‌ویژه از یک طیف اعتقادی و فکری، همکاری‌هایی نسبی و کوتاه‌مدت وجود داشت. آنچه که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، تمرکز بر روی جناح اسلامگرا، با دو گروه موتلفه اسلامی (به‌عنوان پیروانی روحانیون انقلابی و اسلامگرایان سنتی) و سازمان مجاهدین خلق ایران است. توجه به رابطه میان دو گروه در قبل از انقلاب، هنگامی مهم و در نوع خود، جالب و هیجان‌انگیز جلوه‌گر می‌شود که این نکته را دریابیم که در سال‌های نخستین بعد از انقلاب، شدیدترین چالش‌ها برای حکومت نوظهور (که به‌وسیله روحانیون انقلابی و پیروانشان از جمله موتلفه تشکیل شد) از سوی سازمان مجاهدین، به‌وجود آمد، چالشی که تاکنون هم ادامه دارد.

سوالاتی که این مقاله در پی پاسخ به آن می‌باشد این است که: مناسبات موتلفه با مجاهدین خلق، تا قبل از وقوع انقلاب چگونه بود؟ و البته این سوال را بدین صورت هم می‌توان عنوان نمود که چه عاملی سبب نزدیکی این دو گروه مذکور به یکدیگر، سپس دوری آنها از هم و در نهایت هم دشمنی میان طرفین گردید؟

مناسبات موتلفه با مجاهدین خلق در دوره زمانی موردنظر، دارای فراز و نشیب بسیاری بود. گفته می‌شود نخستین بار که اعضای موتلفه درصدد همکاری و رابطه نزدیک با مجاهدین خلق برآمدند به میانه دهه 1340 ش باز می‌گردد. البته موسسین مجاهدین، در آن مقطع زمانی، در زمره سازمان دانشجویی نهضت آزادی فعالیت می‌کردند و در آغاز راهشان به‌منظور تاسیس یک سازمان مخفی با خط مشی مسلحانه قرار داشتند، از این رو، حاضر به همکاری نشدند.⁵

5. نک: حکیمه امیری، تاریخ شفاهی هیئت‌های موتلفه اسلامی (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1386)، ص 184.

با شروع فعالیت رسمی سازمان مجاهدین علیه حکومت وقت در سال 1349، تعدادی از اعضای موتلفه نیز متمایل به همکاری با سازمان مذکور شدند. با توجه به آینده پرتنش روابط دو گروه مذکور، اینکه چه عواملی سبب این همکاری گردید، می‌تواند جالب باشد. باید این‌گونه عنوان نمود که علاوه بر تشابه مشی سیاسی طرفین، مبنی بر مبارزه قهرآمیز و تندروانه، عوامل دیگری نیز در این همکاری تاثیرگذار بود.

اولین مورد، تایید سازمان مذکور یا حداقل دیدگاه مثبت این سازمان از سوی روحانیت انقلابی بود. بسیاری از روحانیون انقلابی که نه تنها مورد احترام موتلفه، بلکه فراتر از آن یعنی حتی رهبری اعضای موتلفه را در دست داشتند، در سال‌های نخست فعالیت مجاهدین، از سازمان حمایت کرده و به آنان خوش‌بین بودند.⁶ چنان‌که روایت جالبی از سوی یکی از اعضای موتلفه در همین مورد وجود دارد که نقل قول آن، میتواند جالب باشد:

«...در این دوران [اوایل دهه 1350] یک حرکت مبارزاتی داشتیم که سازمان مجاهدین خلق فرماندهی اش را در دست داشت. آقایان هم می‌گفتند به این جریان کمک کنید، در ابتدا نظر مثبت به این جریان بود مثلاً یکی از آقایان به ما گفت که من اصحاب ابا عبدالله را شنیده بودم، اینها اصحاب ابا عبدالله هستند، نماز شب شان، تهجدشان... شجاعشان».⁷

دومین مورد به سابقه شناخت نسبی برخی اعضای طرفین از یکدیگر برمی‌گردد. همانطور که ذکر شد اعضای اولیه سازمان، عمدتاً در قالب شاخه دانشجویی نهضت آزادی بودند و فعالیت سیاسی خود را از آن شروع نمودند و سپس به‌عنوان شاخه تندرو و مسلحانه نهضت از آن جدا شده و سازمان مستقلی تاسیس کردند. بنابراین، اعضای دو طرف در برخی جریان‌های سیاسی سال‌های 1342-1343 و حتی مراسم‌های دینی حضور مشترک داشتند و این امر، در آشنایی مختصر آنان تاثیرگذار بود.⁸ علاوه بر این دو مورد، باید خصوصیات اخلاقی و شخصیتی اعضای موسس و اولیه مجاهدین خلق را نیز در نظر گرفت. گفته می‌شود ریاضت، انجام دادن کارهای

6. خاطرات سیاسی علی‌اکبر محتشمی‌پور، ج2 (بی‌جا: خانه اندیشه جوان، 1378)، ص196؛ جام شکسته (خاطرات حجه الاسلام عبدالمجید معادیخواه)، ج2، (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378)، ص337؛ امیری، ص189؛ برای اطلاعات بیشتر، نک: خاطرات عزت شاهی، تدوین و تحقیق: محسن کاظمی (تهران: انتشارات سوره مهر، 1385)، ص610-592.

7. «مصاحبه با بادامچیان»، نشریه صبح صادق (وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) (شماره 304)، ص34.

8. خاطرات محسن رفیق دوست، تدوین: داود قاسمی‌پور (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، ص84؛ اسطوره مقاومت شهید اسدالله لاجوردی، زیر نظر: احمد قدیریان (تهران: مجمع فرهنگی شهید بهشتی، 1384)، ص149-150.

سخت و حمایت از طبقات پایین جامعه موجب علاقه و جذب افراد جامعه نسبت به این سازمان و همکاری با این گونه افراد می‌شد.⁹

با شروع فعالیت‌های مجاهدین علیه حکومت پهلوی و آغاز همکاری اعضای متولفه با آنان، اعضای این گروه، نه تنها در برخی اقدامات مبارزاتی مجاهدین، به‌طور مستقیم، مشارکت می‌کردند،¹⁰ بلکه در تهیه و تدارک تجهیزات نظامی به‌منظور فعالیت‌های مسلحانه اعضای سازمان نیز نقش بسیار مهمی ایفا نمودند.¹¹ اما مهم‌تر و تاثیرگذارتر از این دو، متولفه از آنجا که ریشه بازاری داشته و دارای نفوذ در میان بازاریان بوده و از آن سوی هم با روحانیت مرتبط بود، امکانات اقتصادی از جمله مقداری از وجوهات شرعی را در حمایت مالی از این سازمان به کار می‌برد.¹² علاوه بر عرصه سیاسی، در زمینه فرهنگی نیز رابطه نزدیکی میان طرفین وجود داشت. از آنجا که اکثر اعضای درجه یک مجاهدین خلق، دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، نقش مهمی در مدرسه رفاه، که به نوعی، کانون متولفه در طی سال‌های 52-1348 بود، ایفا می‌کردند، چرا که اغلب دبیران آن مدرسه از اعضای این سازمان به شمار می‌رفتند. میزان فعالیت و نفوذ گذاری آنان در این مدرسه به حدی رسید که حتی به نوعی، آن‌جا را به عنوان یکی از مراکز فعالیت‌های سیاسی‌شان مبدل کردند، تا آن‌جا که از این طریق، به جذب نیرو به‌ویژه در میان دانش آموزان، برای سازمان می‌پرداختند.¹³

در حالی که رابطه نزدیک اعضای متولفه با مجاهدین خلق در اوایل 1350 تداوم داشت، در همان مقطع زمانی، اکثر رهبران اصلی مجاهدین به‌وسیله عوامل حکومتی، شناسایی و کشته شدند و بدین ترتیب بود که برخی اعضای درجه دوم این گروه، ارتقا یافته و در رأس سازمان قرار گرفتند. هم‌زمان با این تغییرات در راس سازمان، به‌تدریج تغییراتی نیز در خط مشی اعتقادی مجاهدین خلق به‌وجود آمد، تا آن‌که در نهایت به پذیرش نوعی تفسیر انقلابی از نوع مارکسیستی از اسلام، از سوی اعضای این گروه منجر گردید.

9. امیری، ص 190.

10. خاطرات عزت شاهی، ص 120-150؛ اسطوره مقاومت، ص 80-90؛ امیری، ص 193-195.

11. سیره شهید رجایی، به کوشش غلامعلی رجایی (بی‌جا: نشر شاهد، 1377)، ص 131؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید حاج مهدی عراقی، (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1378)، ص 201؛ حکیمه امیری، ص 192.

12. حماسه شهید اندرزگو بر اساس اسناد و خاطرات، تدوین: مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379)، ص 49؛ حکیمه امیری، ص 202 و 210.

13. امیری، ص 201.

با قطعی شدن صحت خبر ایدئولوژی اسلامی - مارکسیستی مجاهدین خلق، اکثریت اعضای موتلفه به خصوص جناح راست این گروه به رهبری اسدالله لاجوردی، در سال 1354، رابطه خود را با این سازمان قطع نمودند.¹⁴ در حالی که حتی برخی اعضای آن همچون عباس مدرّسی فر و سعید خاموشی ارتباط خود را با این سازمان ادامه داده و به آن پیوستند، جناح چپ موتلفه، حاضر به قطع رابطه کامل نشدند. چنان که علی اندرزگو¹⁵ و مهدی عراقی¹⁶ گرچه از رابطه نزدیک با آنان صرف نظر نموده، ولی از قطع کامل رابطه اجتناب ورزیدند، چراکه اعتقاد داشتند دامن زدن به این اختلافات، سبب فترت در تداوم مبارزه علیه حکومت پهلوی می شود. اما در آن سوی، تعدادی از اعضای موتلفه، شدیداً بر روی مذهب، تعصب نشان داده و بر جدایی مذهبیون با گروه‌های غیر مذهبی تاکید جدی داشتند.¹⁷ جناح راست و شدیداً سنت‌گرای موتلفه، با این استدلال که مبارزه آن‌ها با حکومت، به خاطر مذهب می‌باشد، تهدید گروه‌های غیردینی در آن برهه زمانی، به‌ویژه کمونیست‌ها را، مهم‌تر از حکومت پهلوی تلقی کردند.¹⁸ تا آن‌جا که بنا بر روایت یکی از زندانیان انقلابی در همان برهه زمانی:

«... برخی افراد به این فکر رسیدند که دیگر مسئله اصلی، مبارزه با سازمان مجاهدین است و ساواک اصل نیست. امثال مرحوم ربانی شیرازی، بادامچیان، لاجوردی و کجویی... می‌گفتند: ما این همه مایه و دین‌مان را گذاشتیم برای آن‌ها [مجاهدین خلق]، حالا این طوری شده، ما هم ناراحت هستیم.»¹⁹

سرانجام هم صدور فتوای نجاست کمونیست‌ها، از سوی برخی روحانیون در زندان که مبتنی بر لزوم جدایی مسلمانان از آنان بود، بیش از پیش بر چالش میان اعضای موتلفه با مجاهدین خلق افزود. افراد مذهبی که تا قبل از این زمان، با گروه‌های غیر دینی، کاملاً بی ارتباط نبودند،²⁰ از

14. همان، ص 202؛ البته این گرایش نسبی به‌سوی مارکسیسم از طرف جناح مذهبی مجاهدین، جدای از گرایشی کامل طیفی از سازمان مذکور به رهبری تقی شهرام و بهرام آرام به‌سوی مارکسیسم بود، که در نهایت، منجر به شکل‌گیری گروه «پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» گردید.

15. امیری، ص 210.

16. یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید عراقی، ص 271؛ خاطرات عزت شاهی، ص 605 - 602.

17. خاطرات عزت شاهی، ص 428 و 605؛ جلیل امجدی، تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفتگانه مسلمان، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، ص 138 - 134.

18. خاطرات آیت الله منتظری، ج 1، ص 393، به نقل از سایت الکترونیکی www.amontazeri.com/farsi/fram3.asp

19. خاطرات عزت شاهی، ص 600.

20. تاریخچه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (بی‌جا: انتشارات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، 1359).

این تاریخ به بعد، کاملاً قطع رابطه نموده تا آنجا که حتی حاضر نبودند با آنان ورزش کنند،²¹ این ماجرا، مجاهدین را نیز تحت فشار شدیدی قرار داد، آنان هنوز از دیدِ مذهبیهون همچون موتلفه و روحانیت انقلابی، به‌عنوان گروه مذهب‌گرا به‌شمار می‌آمدند، بنابراین باید یکی از این دو راه را انتخاب می‌کردند: یا همانند بقیه مذهبیهون، با گروه‌های کمونیستی قطع رابطه و بدین ترتیب، موجب گسست میان نیروهای انقلابی می‌شدند و یا رابطه خود را ادامه داده و خشم افراد مذهبی را به جان می‌خریدند که در نهایت، راه دوم را برگزیدند. سازمان با عمل نکردن به این فتوا و تداوم ارتباط با کمونیست‌ها، مخالفت شدید گروه‌های مذهبی، به‌ویژه روحانیت انقلابی و پیروانشان از جمله موتلفه را نسبت به خود برانگیختند.²² این واقعه، انعکاس زیادی داشت، چنان‌که بنا بر روایت یکی از انقلابیون که از نزدیک شاهد این وقایع بود: «پیامد بیانیه (نجس - پاکی) [فتوا] در زندان‌ها بریدگی، اختلاف و فروپاشی در زندان و جدا شدن و بیرون رفتن آقایان بود... در قضیه جدا شدن‌ها، رجایی، دوزدورانی و عزت شاهی با آنها همکاری نکردند. شهید رجایی و چند نفر دیگر تقسیم بندی‌ها و عملکردها و جداسازی‌ها را قبول نداشتند. این نحوه برخورد را قبول نداشتند که پلیس بیاید وسط نیروهای مذهبی خط بکشد و دیگ غذایشان را جدا کند، نتیجه آن بریدگی و انتقال درگیری‌ها به بیرون از زندان شد.»²³

با تغییر خط مشی اعتقادی مجاهدین خلق، در بیرون از زندان نیز، موتلفه به تکاپو پرداخته و فعالیت‌هایی را برای واکنش به این رخداد آغاز نمود. یکی از اقدامات مهم آنان در این زمینه، گردهم‌آوری و سازماندهی افراد مذهبی‌ای بود، که به دلیل تغییر ایدئولوژی سازمان، از آن جدا شده بودند؟²⁴ چنانکه گفته می‌شود درصدد برآمدند سازمانی به نام «مجاهدین راستین اسلام» در سال 1355 تاسیس نموده، تا از این طریق، به سازماندهی افراد مذهبی جدا شده از مجاهدین بپردازند و بنا بر روایت حتی در حدود چهل هزار نسخه اعلامیه هم در مورد تشکیل این سازمان چاپ گردید، ولی اندکی قبل از انتشار آن، تعدادی از اعضای دست اندرکار این ماجرا، شناسایی و دستگیر شدند و این نقشه، به نتیجه مورد دلخواهشان منجر نگردید.²⁵

ص 218.

21. خاطرات رفیق دوست، ص، 107 - 106.

22. خاطرات عزت شاهی، ص 405 - 400.

23. همان، ص، 608.

24. نک: خاطرات احمد احمد، به کوشش: محسن کاظمی (تهران: انتشارات سوره مهر، 1380)، ص 384 و 389.

25. خاطرات محسن رفیق دوست، ص 89 - 88.

گرچه اعضای موتلفه از سال 1354، با سازمان مجاهدین قطع رابطه کرده بودند، با این حال، مخالفت جدی آنها با سازمان که منجر به دشمنی میان طرفین گردید، از اواسط سال 1356 شروع شد. یکی از نشانه‌های دشمنی، مخالفت مذهبیون پیرو روحانیت انقلابی علی‌الخصوص موتلفه، با حضور سازمانی مجاهدین در راهپیمایی‌های 1356 و 1357 بود که حتی به درگیری‌هایی مختصر نیز منجر می‌گردید.²⁶ چنان که به گفته یکی از انقلابیون: «...در فضای پیروزی انقلاب، وقتی بچه‌های سازمان در خیابان تظاهرات می‌کردند، به آن‌ها گفته می‌شد پرچم‌هایتان را پایین بکشید، آرمان را پایین بیاورید یا همین طور رد شوید...»²⁷

بحران روابط و پیدایی جو سوء ظن و بدبینی میان طرفین در هفته‌های منتهی به انقلاب، به وخامت بیشتری گرایید، چرا که پیدایی نشانه‌های انقلاب، می‌توانست طرفین را به این مسئله سوق دهد که تأثیرگذاری بیشتر در جریان وقایع و مبارزات سیاسی این مقطع زمانی، مساوی است با نفوذ بیشتر در عرصه سیاسی کشور بعد از سقوط حکومت پهلوی و این نیز در نهایت می‌تواند به دستیابی قدرت در حکومت جدید منجر شود، بنابراین برای نمونه، برخی اعضای موتلفه به همراه روحانیت انقلابی، به شدت با ایفای نقش مجاهدین در مراسم استقبال از امام خمینی مخالفت نمودند و در رسیدن به هدف خود نیز موفق بودند.²⁸ میزان این بدبینی، به حدی بود که انقلابی‌ای مثل مهدی عراقی که به خاطر تمرکز مبارزه مخالفان علیه حکومت وقت و عدم تفرقه میان گروه‌های مبارز، نه تنها در پی عدم کشمکش با مجاهدین خلق،²⁹ بلکه مدارا با گروه‌های کمونیستی³⁰ در آن برهه زمانی بود و تسامح بیشتری را نسبت به اکثر اعضای موتلفه، در مورد گروه‌های سیاسی مخالف حکومت از خود نشان می‌داد،³¹ حتی او نیز در آن روزهای پایانی منتهی به انقلاب، از سوی مجاهدین خلق، احساس خطر می‌کرد.³²

26. خاطرات حاج احمد قدیریان، تدوین: حسین نبوی و محمدرضا سرابندی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383)، ص 138.

27. خاطرات عزت شاهی، ص 608.

28. خاطرات رفیق دوست، ص 133؛ خاطرات حجه الاسلام علی اکبر ناطق نوری، تدوین: مرتضی میردار، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384)، ص 148؛ خاطرات ابوالفضل توکلی بینا، تدوین: محمود طاهر احمدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385)، ص 161.

29. یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید عراقی، ص 271.

30. همان، ص 264.

31. نک: خاطرات عزت شاهی، ص 602-605.

32. یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید عراقی، ص 388.

نتیجه گیری

علیرغم تفاوت پایگاه فکری - اجتماعی مولفه اسلامی با مجاهدین خلق، به دلیل تشابه خط سیاسی طرفین مبنی بر انجام مبارزه قهرآمیز - انقلابی و همسویی این تشابه با دیدگاه مثبت روحانیت انقلابی (که در واقع الگو و مدیران اصلی مولفه بودند) نسبت به مجاهدین خلق در آغاز فعالیتشان به عنوان یک سازمان مذهبی، موجب گردید مناسبات نزدیکی میان اعضای مولفه با سازمان مذکور بوجود آید. اما ایجاد تغییراتی در خط اعتقادی سازمان مجاهدین با پذیرش دیدگاه مارکسیستی از اسلام، همه معادلات را برهم زد. مناسبات طرفین به سردی گرایید و به مخالفت و در نهایت هم، منازعه طرفین با یکدیگر منجر شد. منازعه ای که در واقع، میان روحانیت انقلابی با سازمان مجاهدین بود و مولفه نیز به عنوان یک حامی و پیرو مهم روحانیت موردنظر، نقش مهمی در آن بازی نمود. این اختلاف، با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از سوی روحانیت انقلابی، به یک چالش بسیار جدی برای حکومت جدید تبدیل شد تا آنجا که در میان آن همه گروه‌های سیاسی و چریکی مبارز در سال‌های 1356-1358ش، این مجاهدین خلق بودند که به عنوان مهم‌ترین اپوزیسیون برای حکومت جمهوری اسلامی مطرح شدند.

کتابنامه

- اسطوره مقاومت شهید اسدالله لاجوردی. زیر نظر: احمد قدیریان. تهیه و تنظیم: مجمع فرهنگی شهید بهشتی، 1384.
- امجدی، جلیل. تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفتگانه مسلمان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
- امیری، حکیمه. تاریخ شفاهی هیئت‌های مولفه اسلامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1386.
- تاریخچه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. بی‌جا: انتشارات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، 1359.
- جام شکسته (خاطرات حجه الاسلام عبدالمجید معادینخواه). تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378.
- حماسه شهید اندرزگو بر اساس اسناد و خاطرات. تدوین: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1379.
- خاطرات آیت الله منتظری <http://www.amontazeri.com/farsi/fram3.asp>
- خاطرات ابوالفضل توکلی بینا. تدوین: محمود طاهر احمدی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385.
- خاطرات احمد احمد. به کوشش محسن کاظمی. تهران: انتشارات سوره مهر، 1380.

خاطرات حاج احمد قدیریان. تدوین: حسین نبوی و محمدرضا سرابندی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.

خاطرات حجه الاسلام علی اکبر ناطق نوری. تدوین مرتضی میردار. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384.

خاطرات سیاسی علی اکبر محتشمی پور. بی جا: خانه اندیشه جوان، 1378.

خاطرات عزت شاهی. تدوین و تحقیق: محسن کاظمی. تهران: انتشارات سوره مهر، 1385.

خاطرات محسن رفیق دوست. تدوین: داود قاسم پور. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.

سیره شهید رجایی. به کوشش: غلامعلی رجایی. بی جا: نشر شاهد، 1377.

«مصاحبه با بادامچیان»، نشریه هفتگی صبح صادق (وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی). شماره 304. ص 34.

باران امام به روایت اسناد ساواک: شهید حاج مهدی عراقی. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1378.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیشنل سائنسوں، انسانی اور مطالعاتی فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی